



۵+

به نظر می‌رسد مجازی شدن آیین عزاداری در بین بازماندگان با تغییرات و تحولات دیگری همراه بوده که از جمله آنها می‌توان به شخصی شدن، بدن مند شدن، جنسیت زدایی شدن و دنیوی شدن اشاره کرد.

مراسم عزاداری و ختم مجازی در عصر کووید ۱۹

«به یاد آن مرحوم» در شبکه‌های اجتماعی!



رضا تسلیمی طهرانی
دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی

کرونابرگزاری آیین‌های عزاداری فیزیکی، جمعی و عمومی در بین بازماندگان را معطل کرده است. همه‌گیری این ویروس از یک سو باعث تعلیق آیین‌ها، بازماندگان را از تسکین سوگ در جمع، در آغوش کشیده شدن به وسیله نزدیکان و دوستان و به اشتراک گذاشتن احساسات در جمعی فیزیکی محروم و در نتیجه آنها را به انواع اختلالات و آسیب‌های روانی و اجتماعی دچار کرده است و از سوی دیگر، باعث تغییر دادن آیین‌هایی که متصل و ایستاد نظر گرفته می‌شدند فشار هنجاری موجود را تقلیل داده و موجب پویایی آیین عزاداری شده است. همه‌گیری ویروس کرونایشیه‌های مرسوم عزاداری در بین بازماندگان را متحول کرده است. در نتیجه این تحول، آیین‌های عزاداری از شکل فیزیکی، عمومی و جمعی خارج شده و به سمت مجازی شدن پیش رفته است. عزاداری مجازی سال‌هاست که در بسیاری جوامع به عنوان شکلی رایج از عزاداری تثبیت شده با این حال، در جامعه ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار نیست و رواج آن در شرایط فعلی را باید از نتایج همه‌گیری کرونای دانست. اکنون بسیاری از بازماندگان در رسانه‌های اجتماعی اینستاگرام و

فیس‌بوک و در پیام‌رسان‌های تلگرام و واتس‌آپ بابه اشتراک گذاشتن تصاویر، فیلم‌ها و کلیپ‌ها و بانوشتن متون و دلنوشته‌های مختلف به عزاداری مجازی می‌پردازند. صفحات مجازی متعلق به درگذشتگان در رسانه‌های اجتماعی به محلی برای عزاداری تبدیل شده‌اند. خویشاوندان، دوستان و آشنایان بانوشتن کامنت‌های مختلف بابه اشتراک گذاشتن «پست‌ها» و «استوری‌ها» به بازماندگان تسلیت می‌گویند. مؤسسات مختلف با استفاده از پلتفرم‌های گوناگون، برگزاری آیین‌های ترحیم و یادبود مجازی را کسب و کار خویش قرار داده و بسیاری از داغداران با استفاده از قسمت «لایو» اینستاگرام یا نرم‌افزارهای مختلف آیین‌های تدفین یا ترحیم را با حضور مجازی اقوام و خویشاوندان برگزار می‌کنند. به نظر می‌رسد مجازی شدن آیین عزاداری در بین بازماندگان با تغییرات و تحولات دیگری همراه بوده که از جمله آنها می‌توان به شخصی شدن، بدن مند شدن، جنسیت زدایی شدن و دنیوی شدن اشاره کرد. اکنون بسیاری از آیین‌های عزاداری «شخصی شده» اند به این معنی که هر کس آنها را به شیوه خود انجام می‌دهد. بازماندگان، متون و دلنوشته‌های دلخواه خود را به اشتراک می‌گذارند و تصاویر و فیلم‌های مورد نظر خویش از متوفی را بازتاب می‌دهند.

قالب‌های مختلف به نمایش درمی‌آیند. در نهایت، بسیاری از آیین‌های عزاداری مجازی، در مقایسه با آیین‌های فیزیکی و حضوری «دنیوی‌تر» هستند. به عنوان نمونه، در بسیاری از آیین‌های ترحیم و یادبود مجازی در عوض نوحه‌خوانی و سخنرانی روحانیون، موسیقی و کلیپ‌های

همچنین آنها شیوه برگزاری آیین‌های ترحیم و یادبود مجازی را بر اساس میل و سلیقه خود تنظیم می‌کنند. وجه جسمانی و بدنی در برگزاری آیین‌های عزاداری از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. به بیان دیگر، تصاویر و فیلم‌های متوفی در اغلب «پست‌ها»، «استوری‌ها» و



↑ اکنون بسیاری از بازماندگان در رسانه‌های اجتماعی اینستاگرام و فیس‌بوک و در پیام‌رسان‌های تلگرام و واتس‌آپ با به اشتراک گذاشتن تصاویر، فیلم‌ها و کلیپ‌ها و بانوشتن متون و دلنوشته‌های مختلف به عزاداری مجازی می‌پردازند. صفحات مجازی متعلق به درگذشتگان در رسانه‌های اجتماعی به محلی برای عزاداری تبدیل شده‌اند.

تهیه شده از زندگی متوفی بخش می‌شوند و افراد غیرروحانی به ایراد سخنرانی‌هایی با مضامین عارفانه و عاشقانه می‌پردازند. در پایان باید تذکر داد که عزاداری مجازی و تحولات ذکر شده اغلب در بین بازماندگان طبقه متوسط جدید مشاهده می‌شوند و در بین سایر بازماندگان چندان شایع نیستند.

کلیپ‌ها به اشتراک گذاشته می‌شوند و این تصاویر در آیین‌های یادبود مجازی از نقشی محوری برخوردارند. در این زمینه نوعی «جنسیت زدایی» به چشم می‌خورد به این معنی که برخلاف آیین‌های عزاداری فیزیکی و آگهی‌های ترحیم منتشر شده، در اینجا غالباً تصاویر زنان در گذشته نیز مانند تصاویر مردان متوفی در

انجام ندادن خیلی از مناسک پر تکلف شدند. دریافتند که دیگر ملزم به پذیرایی‌های طولانی و هزینه‌بر از افرادی که حضورشان فضا را سنگین نگه می‌دارند نیستند. این موضوع به نظر من باعث شد که برخی حتی فکر کنند نفرین کرونا با نوعی از برکت هم همراه بوده است. درست است که جوامع مختلف تمهیداتی فرهنگی، یا همان مناسک و الگوهای رفتاری را برای مواجهه با مسائلی مثل مرگ تدارک دیده‌اند، اما هر چیزی که در هر فرهنگی وجود دارد، هر الگویی که مستقر شده است، الزاماً همیشه بهترین کارکرد را ندارد. خیلی از الگوهای فرهنگی نه تنها کارکرد مثبت ندارند بلکه حتی می‌توانند به زبان انسان‌شناسی، خصیصه‌ای ناسازوار (Maladaptive) داشته باشند. یعنی به جای سازواری با شرایط و نیازهای انسانی، راه‌حل‌های ناکارآمد و ناسازواری در مقابل نیازهای محیطی و انسانی باشند و رنج و ناخشنودی ایجاد می‌کنند، ولی بحرانی مثل کرونا که خیلی چیزها از جمله بسیاری از مناسک و مراسم جمعی را تعلیق کرده یا به تعویق انداخته، گویی یک فرصت بازاندیشی نسبت به رویه‌های معمول را فراهم کرده است؛ تا حدی که بعد از گذشت چند ماه این احساس رضایت از تقلیل مراسم و بی‌تکلف و کم‌هزینه شدن آن به صورت برجسته‌تری در بین بازماندگان متوفیان مشاهده می‌شود. آیا چنین تغییر سریعی باعث سردرگمی فرهنگی نمی‌شود؟ اولاً معلوم نیست که واقعاً تغییراتی در آینده رخ بدهد یا نه، ولی این درست است فرهنگ نمی‌تواند و نباید سریع تغییر کند. مناسک قالب‌های از پیش طراحی شده‌ای هستند که به طور اتوماتیک انجام می‌دهیم تا در برابر هر موقعیتی سردرگم نشده و مجبور به تصمیم گرفتن در مورد شیوه عمل نباشیم. از طرفی رفتار متناسب با مناسک و رسوم نوعی معیار رفتار هنجار است و نتیجتاً می‌تواند آسودگی ناشی از رفتار هنجار را هم باعث شود، اما نکته اینجاست که یک فرهنگ پویا قاعداً در خود بازاندیشی می‌کند، خود را پیراسته می‌کند و مدل‌های سازوآوری را به کار می‌گیرد. تنها فرهنگ‌های مرده و باستانی بی‌تغییر باقی می‌مانند.

آیا این احتمال وجود دارد که مناسبات عزاداری برای همیشه تغییر کند؟ مثل آموزش که شاید برای همیشه تغییر کرده باشد...

موضوعی که در زمان پژوهش با آن برخورد کردیم و الان که مدتی از مواجهه ما با کرونا گذشته می‌بینیم برجسته‌تر هم شده تغییر کردن درک ما از موضوع مراسم عزاداری و سوگواری است. گویا در افقی بلندمدت خانواده‌های عزادار متوجه راحتی و سبکی

گویا در افقی بلندمدت خانواده‌های عزادار متوجه راحتی و سبکی انجام ندادن خیلی از مناسک پر تکلف شدند. دریافتند که دیگر ملزم به پذیرایی‌های طولانی و هزینه‌بر از افرادی که حضورشان فضا را سنگین نگه می‌دارند نیستند. این موضوع به نظر من باعث شد که برخی حتی فکر کنند نفرین کرونا با نوعی از برکت هم همراه بوده است



قرنطینه رخ داده بودند هم بررسی کردیم چون مسأله این بود که امکان سوگواری به شیوه معمول گذشته در هر دو مورد مقدور نبود. در مراحل مختلف مواجهه با مرگ ما به مضامینی رسیدیم که حائز اهمیت بود. مثلاً در مرحله احتضار که در موارد بسیاری در بیمارستان سپری می‌شد، فرد محتضر در تنهایی و به دور از نزدیکان به سر می‌برد. به خاطر قرنطینه سختی که وجود داشت، همراهان نمی‌توانستند در لحظات آخر کنار فرد محتضر باشند، بنابراین برای اطرافیان این احساس عذاب وجدان وجود داشت که بیمارشان را به ناچار تنها گذاشتند و او در تنهایی فوت کرده است. در مراحل تشییع و تدفین هم این تنهایی تکرار می‌شد چراکه امکان برگزاری مراسم با حضور افراد زیادی نبود و بازمانده‌ها اغلب با ناراحتی بیان می‌کردند که بدون تکریم ناچار شدند عزیزانشان را تنها به خاک بسپارند. از طرف دیگر چون احتمالاً اعضای خانواده متوفی هم ممکن بود مبتلا باشند، برای کاهش خطر ابتلا کسی دور و بر این خانواده باقی نمی‌ماند و نوعی تنهایی در این افراد ایجاد می‌شد. در اطلاعاتی که ما جمع کردیم عده زیادی به خاطر نقصان طی مراحل سوگواری، احساس ناتمامی و اضطراب را تجربه کرده بودند. نظیر همان چیزی که در ادبیات روانشناختی به آن «تجربه سوگ ناتمام» می‌گویند و در واقع توصیفی از ماندن فرد بازمانده در یکی از مراحل مواجهه با سوگ است که می‌تواند حتی فرد را تا افسردگی یا ملانکولی پیش ببرد.

در خلا مراسم ختم حضوری آیا مردم دست به ابداع ابتکارهایی برای تسلا بازمانده‌ها زدند؟

بله ابتکارهای زیادی برای جایگزین کردن مراسم عزاداری که امکانش در این دوران نبود صورت گرفت. برگزاری مراسم ختم و یادمان آنلاین در فضای مجازی و تشکیل گروه‌هایی در این رسانه‌های اجتماعی به درد دل کردن، مدیحه سرایی یا گذاشتن شعر و ذکر خاطرات متوفی اقدام می‌کردند - چیزی که معمولاً در دوره‌های پس از درگذشت یک نفر رخ می‌دهد- تنها برخی از این ابتکارها هستند.